



جستاری پیرامون هنر خط در بیع‌نامه‌نویسی عهد قاجار

(با تکیه بر بیع‌نامه قلعه حسن خان)

علی تیموری^۱، محمد کلهر^۲

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی، گروه تاریخ، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. ali.teimori1420@gmail.com

^۲ نویسنده مسئول) استادیار گروه تاریخ، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. kalhor.mohammad72@gmail.com

چکیده

بیع‌نامه‌ها یکی از اسناد مهم تاریخی و اداری دوره قاجار محسوب می‌شوند. این آثار علاوه بر ارائه اطلاعات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی از مظاهر مهم هنر خوشنویسی نیز به شمار می‌آیند. آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد بیع‌نامه قلعه حسن خان مربوط به خدیجه سلطان دختر الله‌وردی میرزا فرزند فتح‌علی‌شاه است که قریه حسن‌آباد در فاصله ۲۰ کیلومتری تهران به سمت کرج را به مصطفی قلی‌خان مقدم میرشکار پسر امیرخان سردار دولو در عوض مال‌المصالحه معین واگذار کرده است. دیگری سند وقفی خریدار آن مصطفی قلی‌خان میرشکار مقدم است. پژوهش حاضر براساس روش تحقیق تاریخی با رویکرد تطبیقی، تحلیلی مبتنی بر بیع‌نامه و وقف‌نامه قلعه حسن خان انجام شده است، استنتاج بیع‌نامه برای اولین بار صورت گرفته است و در آرشيو هیچ‌کدام از ادارات مربوطه نبوده است. با مطالعه تطبیقی میان بیع‌نامه و وقف‌نامه قلعه حسن خان نه تنها وجوه افتراق میان دو سند مزبور کشف شد، بلکه زمینه‌های تاریخی انسداد توسعه سیاسی و اقتصادی قلعه حسن خان به رغم فرصت‌های مناسب منطقه آشکار شد.

اهداف پژوهش:

۱. شناسایی و وجوه افتراق و استنتاج میان بیع‌نامه و وقف‌نامه در منطقه قلعه حسن خان.
۲. بررسی وجوه خطی بیع‌نامه قلعه حسن خان.

سوالات پژوهش:

۱. عوامل اعتقادی به چه صورت در مکاتبات و اسناد عصر قاجار مکتوب می‌شود؟
۲. بیع‌نامه قلعه حسن خان دارای چه مختصات خطی است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۵۱

دوره ۲۰

صفحه ۳۲ الی **

تاریخ ارسال مقاله: ۱۱۱۱/۱۱/۱۱

تاریخ داوری: ۱۱۱۱/۱۱/۱۱

تاریخ صدور پذیرش: ۱۱۱۱/۱۱/۱۱

تاریخ انتشار: ۱۱۱۱/۱۱/۱۱

کلمات کلیدی

قلعه حسن خان،

قاجار،

مصطفی قلی‌خان میرشکار،

وقف،

موقوفه.

ارجاع به این مقاله

تیموری، علی، کلهر، محمد. (۱۴۰۲).

جستاری پیرامون هنر خط در بیع‌نامه

نویسی عهد قاجار با تکیه بر (بیع‌نامه

قلعه حسن خان). مطالعات هنر

اسلامی، ۲۰(۵۱)، ۳۲-۴۸.



dorl.net/dor/20.1001.1.*

***** ***/



dx.doi.org/10.22034/IAS

.۲۰۲۳.۴۰۱۷۰۸.۲۲۱۸

مقدمه

اسناد تاریخی امروز از مهم‌ترین منابع پژوهش‌های تاریخی اعتبار و اهمیت خاصی دارند. شناخت اسناد تاریخی در بازشناسی مسائل مهم و مبهم تاریخی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی امری ضروری است (قائم‌مقامی، ۱۳۹۴: ۵). یک سند تاریخی اعم از نوشته‌های سلطانی، دیوانی، اخوانیات و اسناد قضایی و مالی از دو جزء متن و اضافات ترکیب می‌شود. متن یک سند یا اصل سند شامل مضمون و موضوعیت که علی‌الاصول سند درباره آن نوشته و تنظیم می‌گردد و اضافات شامل تحمیدیه، مهر، توقیع، طغرا توشیح و تاریخ بوده و سپس به ثبت دفاتر دیوانی می‌رسید (همان: ۱۵۲). اسناد تاریخی همچون مبایعه‌نامه از چندین قریه و مزرعه و مطالعات تازه‌ای که دربارهٔ رجال آن مناطق و وضعیت مالی و مالکیت نام برده می‌شود و نقل و انتقالاتی که روی یک ملک صورت گرفته است، اطلاعات ارزشمندی ارائه می‌کند (رضایی، ۱۳۹۰: ۱۰۷). اسناد تمام مواضع و فراز و نشیب حیات فرد و جامعه را بازگو می‌کند (خان‌محمدی، ۱۳۷۲: ۸۶). مخصوصاً اسناد وقفی و شناسایی موقوفات به جهت حفظ و احیای آن‌ها از جمله امور مهمی است که در این دوران به‌طور ویژه باید بدان پرداخته شود. دلایل مختلفی را می‌توان از جمله نتایج فراموشی موقوفات و یا مواد و قف‌نامه‌ها دانست که مواردی چون زمان، گسترش جغرافیایی و جمعیت شهرها و روستاها، از بین رفتن اسناد و مدارک، سودجویی عده‌ای از افراد منفعت‌طلب و بسیاری دیگر از این موارد محسوب می‌شود (غلامی، ۱۳۸۹: ۸۸). اسناد موقوفات در دوره قاجار یکی از مهم‌ترین منابع برای ترسیم اوضاع اجتماعی و فرهنگی این دوره است. در این دوره اکثر اقدار جامعه با گرایش‌های مختلف فکری به وقف‌نامه‌ها توجه داشته‌اند. طرز فکر و منش هر واقفی ذیل مصارف یا نظام تولیت و نظارت خودنمایی می‌کند (رضایی، ۱۳۸۸: ۳۵۱). وقف‌نامه‌ها از مهم‌ترین اسناد شرعی هستند که ساختار و اصطلاحات آن از فرآیند منظمی برخوردار است. معمولاً وقف‌نامه‌ها با ساختار ویژه خود، شرط تحقق وقف، اظهار صیغه وقف، کلی‌گویی جهت مصرف، حدود اربعه موقوفه، مخارج، متولی، ناظر، الفاظ تشریفاتی دال بر وقوع عقد و قبض و قبولی متولی و سجلات (مرتضوی، ۱۳۹۲: ۱۵۰). پس از آنکه فرمان و یا سندی از همه جهات (متن و اضافات) کامل می‌شد در دفاتر دیوانی ثبت می‌گردید. آخرین جزء یک فرمان و سند تاریخ کتابت و صدور آن بوده است، وضع تاریخ معمولاً به‌صورت عبارت «تحریراً فی شهر سنه» بود (قائم‌مقامی، ۱۳۹۴: ۲۳۹).

قلعه حسن‌خان ۸ کیلومتری شمال شرقی علیشاه عوض، ۲ کیلومتری جنوب راه تهران- قزوین و کاروانسرای سنگی است (رزم‌آراء، ۱۳۲۸: ۱۶۴). قلعه حسن‌خان در عرض جغرافیایی ۳۵ درجه و ۴۳ درجه عرض شمالی و طول جغرافیایی ۵۱ درجه و ۷ دقیقه شرقی واقع است (پایلی یزدی، ۱۳۶۷: ۴۱۳). امتداد آن از شمال به محور ارتباطی تهران- کرج و از سمت شرق به تهران و از جنوب به محور ارتباطی تهران ساوه و از غرب به شهرستان کرج منتهی می‌شود. با مساحت ۲۸۰۰ هکتار در شمال شرقی شهرستان شهریار و در کنار محور ارتباطی مهم تهران کرج واقع شده است (شریفی-چیانوی، ۱۳۸۸: ۳۰). آبادی‌های مجتمع و روستاهای قلعه‌ای شکل اغلب برای دفاع از تولید زراعی و دامی در مقابل نظام چادرنشینی، پدید آمده است. اغلب نام آبادی‌ها با کلمه «قلعه» همراه بوده است (خسروی، ۱۳۵۵: ۴۸). اغلب پس از قلعه، مرکز اداری، ناحیه تجاری کاروانسراها قرار می‌گرفت (خسروی، ۱۳۵۵: ۱۳۵۵).

۴۴). در سر در ورودی قلعه حسن خان نیز کاروانسرای سنگی چهار ایوانی، از دوران قاجاریه (کیانی، ۱۳۶۲: ۱۲۱) و تپه باستانی کاووسیه^۱ بر جای مانده و به ثبت رسیده است (میراث فرهنگی شهر قدس، ۱۳۸۷، سایت گردشگری). قلعه حسن خان در ورود نیروهای مجاهدین بختیاری و گیلانی به تهران و فتح آن نقش مهمی ایفا کرد (رجی، ۱۳۹۵: ۱۶۸). اردوی ملیون با استتار کامل از منطقه شاه‌آباد (قلعه حسن خان) -شهرک دانش کنونی- عبور کردند و از دروازه یوسف‌آباد واقع در شمال تهران وارد پایتخت شدند (پاولویچ، ۱۳۵۷: ۶۷). برای پاسخ به این پرسش از روش تحقیق تاریخی با رویکرد تطبیقی و تحلیلی استفاده شده است. داده‌های مورد نیاز هم با رجوع به اسناد و مدارک آرشیوی و بعضاً استفاده از داده‌های تاریخی نشریات و کتاب‌های خاطرات تهیه شده است و سندهای موجود به‌گونه‌ای تدوین شده است که می‌توان فوراً مفاد هر فقره را تشخیص داد. پژوهش‌های فرخ اعتماد مقدم (اعتماد مقدم، ۱۳۴۹: ۵) و فرهاد مقدم بیشتر بر موقعیت و جایگاه ایل مقدم و مقدم‌های خمسه و مقدم‌های چرگر یعنی خاندان مصطفی قلی خان مقدم میرشکار و قلعه حسن خان سامان یافته است (مقدم، ۱۳۸۵: ۲۹۲). در این دو پژوهش اثری از بیع‌نامه و وقف‌نامه مزبور نیست. پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد علی تیموری (۱۳۹۱) به سیری در روند تاریخی وقف با تکیه بر موقوفات مصطفی قلی خان میرشکار در قلعه حسن خان اشاره دارد که بیشتر به تاریخ وقف و شناسایی موقوفات در قلعه حسن خان پرداخته شده است (تیموری، ۱۳۹۱: ۸). تاکنون هیچ یک از پژوهش‌های ارائه شده در خصوص قلعه حسن خان و خاندان میرشکار به واکاوی بیع‌نامه و وقف‌نامه قلعه حسن خان نپرداخته‌اند. از این منظر می‌توان گفت که رویکرد پژوهش حاضر تا حدودی بدیع و متفاوت از پژوهش‌های پیشین است.

۱. بیع‌نامه حسن آباد (قلعه حسن خان)

در سال ۱۲۷۹ق، ملک شش دانگ قریه حسن آباد شاهزاده خدیجه سلطان توسط مصطفی قلی خان مقدم ابتیاع شد. این بیع‌نامه در آرشیو اداره اوقاف شهر قدس و سازمان اسناد ملی موجود نبود. سرانجام نوادگان مصطفی قلی خان میرشکار مقدم در سال ۱۳۹۴ش، متعاقب اختلافات مطروحه در خصوص موقوفه میرشکار، تصویر بیع‌نامه را در فضای مجازی منتشر کردند، تا اثبات کنند که ملک موقوفه مزبور ابتدا توسط مصطفی قلی خان میرشکار مقدم خریداری، و سپس وقف شده است (مقدم، ۱۳۹۴: کانون نورالمهدی). سند مزبور مانند تمام مکاتبات دوره قاجار دارای تحدیدیه و سایر مختصات متداول بیع‌نامه‌های عصر قاجار است (قائم مقامی، ۱۳۹۴: ۲۵۳).

۲. متن بیع‌نامه حسن آباد (قلعه حسن خان)

شایبه الاکراه و الاجبار، بل بالطوع و الرغبه و الاختیار و بعد الحضور مصالحه صحیحه صریحه شرعیه اسلامیة نمود بر تمامی و همگی و جملگی کل شش دانگ قریه معلومه مشخصه موسوم به حسن آباد، به انضمام مزرعه میان دو آب من مزارع قریه مذکوره و حقوق یک طاحونه و حقوق سه دانگ مشاع و حقوق یک قطعه باغ واقعه در قریه مذکوره

^۱- تپه کاووسیه مربوط به دوران پیش از تاریخ ایران باستان - هزاره سوم و چهارم قبل از میلاد است که در قلعه حسن خان، انتهای بلوار کاووسیه داخل باغ ماهان (شاهزاده) واقع شده است. (میراث فرهنگی شهر قدس، ۱۳۸۷، سایت گردشگری).

ابتیاعی از نواب مستطاب خورشید احتجاب، شاهزاده عقیفه خدیجه سلطان خانم، صبیۀ نواب مستطاب اشرف والا شاهزاده لله‌ویردی میرزا دامت اقبلله [ناخوانا] که قریۀ مذکوره واقع و کائن است در برگ نومن بلوکات دارالخلافت طهران را محدود به حدود اربعۀ ذیل:

حد: غربی به قریۀ کوهک- حد شرقی درۀ زردآب- حد: شمالی به نهر یرنان- حد: جنوبی به لوت کرج.

با کافۀ ملحقات و مضامین از اراضی و صحاری و محل زراعت و [ناخوانا] شراب و مشارب و قنات و مزارع و مراتع [ناخوانا] و چشمه و چشمه‌سار و کما يتعلق بهاء و ینسب الیها را ذکر ام لم یذکر و سمی ام لم یسم، بدون وضع و استثنای شئی از تمامی قریۀ مذکوره به عالی‌جناب رفیع جایگاه، نجابت و سعادت همراه، مقرب الخاقان مصطفی قلی خان مقدم الشهیر به میرشکار ابن عالی‌جاه رفیع جایگاه مقرب الخاقان حسن علی‌خان مقدم، در عوض مال المصالحة معین القدر و الوصف مبلغ هشتاد تومان (به سیاق بالای سطر: ۸۰ تومان پایین سطر: ۴۰ تومان) وجه نقد ریالی سیزده نخود وزن [ناخوانا] سلطانی مقبوض و ماخوذ در مجلس العقد و الصلح و صیغۀ مصالحة صریحۀ شرعیه و معاهدۀ ملیه اسلامیه بین و کلیهما [ناخوانا] جاری و واقع گردید و در ضمن العقد شرط شد سقوط خیار از طرفین سما خیار الغبن ولوکان فاحشا بل افحش و لوکان باقصی مراتبه و اعلى مدارجه من الطرفين، فحسب تلك المصالحة الصحیحه الشرعیه، قریه مزبوره، ملک طلق عالیجاه مصالح له مسطور است که به هر نحوی که بخواید تصرف نماید کتصرف الملائک فی املاکهم و نوى الحقوق فی حقوقهم، و کاه وقوع نالک فی بیست و یکم شهر جمادى‌الاولی من شهر سنه ۱۲۷۹.

«مهر بیضی» عبده الراجی محمد.

۳. توضیحات بیع‌نامه حسن‌آباد (قلعه حسن‌خان)

فروشنده: خدیجه سلطان خانم دختر الله‌وردی میرزا و خواهر رستم میرزا است (حسینی شیرازی، ۱۳۷۹: ۱۳۸). الله‌وردی میرزا سرکشیکچی‌باشی، متخلص به بیضاء، پسر نوزدهم (حسینی شیرازی، ۱۳۷۹: ۲۸). یا هفدهم فتحعلی‌شاه قاجار. در ۲۳ رمضان ۱۲۱۶ ق، متولد شد. مادر الله‌وردی میرزا، بنفشه بادم زن چهل و سوم فتحعلی‌شاه از ارامنه آذربایجان (لسان‌الملک سپهر، ۱۳۷۷: ۱/۵۵۶؛ بامداد، ۱۳۶۳: ۱/۱۵۴) یا از یهودیان روسیه بوده است (حسینی شیرازی، ۱۳۷۹: ۲۸).

الله‌وردی میرزا علاوه بر شاعری، صاحب کمالات متنوعه در علم ریاضی و خط نستعلیق بوده است (دیوان‌بیگی، ۱۳۶۴: ۱/۳۰۳). الله‌وردی میرزا در سال ۱۲۳۲ ق، با دختر عمویش، حسینقلی‌خان فرزند حسینقلی‌خان جهانسوز ازدواج کرد و باجناب علی میرزا ظل‌السلطان شد. حاصل این ازدواج، یگانه پسرش، رستم‌میرزا بود (لسان‌الملک سپهر، ۱۳۷۷: ۱/۲۸۶ و ۵۳۴ و ۵۶۳). وی در سال ۱۲۳۸ ق، به حکومت شاهرود و بسطام منصوب شد (محمودمیرزا، ۱۳۴۶: ۱/۳۹) و در سال ۱۲۴۴ ق، مأمور ایجاد نظم در قمشه و سمیرم شد (لسان‌الملک سپهر، ۱۳۷۷: ۱/۴۳۵). الله‌وردی میرزا متعاقب حمایت برادر اعیانی‌اش، علی‌نقی میرزا رکن‌الدوله از سلطنت باجنابش علی‌میرزا ظل‌السلطان، به اردوی ظل‌السلطان پیوست و از

سوی او به حکومت قم منصوب شد و فرماندهی لشکر ظل‌السلطان را برعهده گرفت (رضاقلی میرزا، ۱۳۴۶: ۱۰). وی بعد از استقرار محمدشاه بر تخت سلطنت، از حکومت قم عزل شد، ابتدا به سفارتخانه روسیه پناهنده شد (رضاقلی میرزا، ۱۳۴۶: ۱۶). سپس دستگیر و در روستای دربند تحت‌الحفظ گردید. الله‌وردی میرزا در ۱۵ صفر ۱۲۵۱ ق، همراه هشت شاهزاده دیگر روانه زندان اردبیل شد (رضا قلی میرزا، ۱۳۴۶: ۳۷). وی ابتدا از زندان اردبیل به سوی بغداد گریخت، سپس در عتبات وطن گرفت و سرانجام به استامبول رفت و با اخذ مستمری از سلطان محمود دوم (۱۲۵۵-۱۲۳۳ ق) در عتبات یا به گزارش هلاکو میرزا در شام سکنی گزید. الله‌وردی میرزا سرانجام در حدود سال ۱۲۸۰ ق، درگذشت (دیوان بیگی، ۱۳۶۴: ۱/۳۰۹؛ هلاکو میرزا، ۱۳۴۴: ۲۰۶؛ محمود میرزا، گلشن محمود، ۱۳۹۴: ۸۶؛ معلم حبیب‌آبادی، ۱۳۵۷: ۲/۵۶۸).

خریدار: مصطفی قلی خان مقدم میرشکار فرزند حسن خان مقدم از قبیله اتوز یکی از ترکمن‌های قراباغ بود. شاه عباس حکومت مراغه را به آقا سلطان رئیس قبیله مقدم داد، بدین ترتیب مقدم‌ها در اطراف مراغه سکونت گزیدند (سومر، ۱۳۷۱: ۲۳۷). حسین خان آجودان‌باشی و حاج علی محمدخان و احمدخان مقدم بیگلربیگی آذربایجان از اولاد آقا سلطان رئیس لیل مقدم بودند. احمدخان مقدم جد اعلاي خلدان مقدم مراغه‌ای است (مرورید ۱۳۷۲: ۵-۲۳). احمدخان مقدم فرزند محمدآقا مقدم حاکم مراغه بود، وی در سال ۱۱۹۰ ق، جانشین پدر شد (محبوبی، ۱۳۷۰: ۲۱۴).

مصطفی قلی خان مقدم در عهد پادشاهی محمدشاه قاجار به دربار راه یافت و مدارج ترقی را در زمینه شکارچی‌گری و به قول خودشان اوچی‌گری طی کرد (مقدم، ۱۳۸۸: ۲۰۸). بنابه درخواست امیرکبیر منصب سرتیپی فوج شانزدهم به مصطفی قلی خان واگذار شد (آل‌داود، ۱۳۷۱: ۱۴۸). در سال ۱۲۸۲ ق به منصب امیرتومانی ارتقاء یافت و از سال بیست و یکم پادشاهی ناصرالدین‌شاه جزو اصحاب شکارشاهی قرار می‌گیرد (مراه‌البلدان، ۱۳۶۷: ۲ و ۳/۱۵۳۴). در سال ۱۲۸۷ که ناصرالدین‌شاه به عتبات سفر کرد جزو ملتزمان رکاب بود، وی پس از زیارت عتبات، از اردوی شاه جدا شد و رهسپار سفر حج شد (افشار، ۱۳۶۳: ۱۶۰). مصطفی قلی خان استعداد فوق‌العاده‌ای در زمینه شکار داشت و پس از وصول به سمت میرشکاری یا امیرشکاری^۲، رئیس شکارخانه شاهی شد و تمامی امورات مربوط به شکار و شکارگاه شاه را اداره می‌کرد. از قرق نمودن منطقه شکارگاهی، تربیت سگ‌های شکاری، شکارکردن حیوانات صعب‌الصيد به طوری که به نام شاه تمام بشود، تهیه و تعمیر اسباب و آلات شکار، تفنگ، تپانچه، فشنگ، ساچمه از وظایف میرشکار بوده است (مقدم ۱۳۸۸: ۲۰۷).

در یادداشت‌های روزانه ناصرالدین‌شاه آمده است: وقتی که میرشکار در شکاریابی توفیقی نمی‌یافت و در امورات مربوطه به شکار اهمال و سستی می‌نموده شاه وی را معروض فحش و لعنت می‌ساخت و بر وی غضب می‌کرد (بدیعی، ۱۳۷۸: ۳۹۷).

حیوانات صید شده در شکارگاه با چاپارهای سریع‌السیر به صاحب‌منصبات شهر و همچنین سفارتخانه‌های اروپایی توسط حاج مصطفی قلی خان میرشکار دربار فرستاده می‌شد و یادآوری می‌گردید که همه شکارها به دست شاه انجام گرفته است (قاضی‌ها، ۱۳۸۹: ۸۲). مصطفی قلی خان در عصر ناصری دو نوبت به ریاست شکارچیان رسید (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۳: ۱۳۶۳).

^۲- این کلمه مرکب از کلمه عزی امیر و فارسی شکار است و در زبان عربی نیز متداول بوده است. این اصطلاح که احتمالاً در عهد سلجوقیان به وجود آمده تا عهد قاجاریان به صورت «میرشکار» معمول بوده است (انوری، ۱۳۵۵: ۲۰).

۴۹). علی خان نایب اول و غلامحسین خان نایب دوم پسران مصطفی قلی خان، مسئولیت شکارگاه‌ها را پس از پدر بر عهده داشته‌اند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۳/۲۱۳۷). حاج مصطفی قلی خان میرشکار، مؤتمن السلطان، در پنجشنبه ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۳۱۰ق، درگذشت. بر طبق وصیت‌اش به نجف اشرف حمل و در آنجا دفن گردید (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۵: ۸۴۰).

مبیع: شش دانگ قریه حسن‌آباد به انضمام مزرعه میان دو آب مزارع قریه مذکور و حقوق یک طاحونه و حقوق سه دانگ مشاع و حقوق یک قطعه باغ واقع در قریه مذکور که قریه مذکور واقع و کائن است، در برگ نومن بلوکات دارالخلافه طهران، محدود به حدود اربعه ذیل: حد غربی به قریه کوهک- حد شرقی دره زرد آب- حد شمالی به نهر پرنان- حد جنوبی به لوت کرج، با کافه ملحقات و منضعات از اراضی و صحاری و محل زراعت و شرب و مشارب و قنات و مزارع و مراتع.

۴. مکان‌های جغرافیایی بیع‌نامه

حسن‌آباد: ده جزو بخش شهریار شهرستان تهران، ۲ کیلومتری راه تهران کاروانسرای سنگی، مزرعه میان دو آب، جزو این راه است، راه مالرو و از طریق اسماعیل‌آباد ماشین می‌رود (رزم‌آراء، ۱۳۲۸: ۱۶۴).

مزرعه میان دو آب: پارک بانوان و پمپ گاز فعلی بعد از دانشگاه آزاد شهر قدس به سمت جاده شهریار (احمدیان، مصاحبه، مرداد ۱۴۰۰).

قریه کوهک: جزو بخش کرج شهرستان تهران در قسمت شمالی قلعه حسن‌خان واقع است (رزم‌آراء، ۱۳۲۸: ۱۸۷).

دره زردآب: در منتهی‌الیه مزرعه ورامینک به سمت شهریار واقع است (کیهان، ۱۳۱۱: ۳۵۰).

نهر پرنان: ده کیلومتری جنوب غربی کن واقع است، از نهر یافت‌آباد کرج مشروب می‌شود (رزم‌آراء، ۱۳۲۸: ۱۰۴).

لوت کرج: دنباله کوه‌های نمک ساوه است. در انتهای جاده شهریار به رضی‌آباد واقع است (کیهان، ۱۳۱۱: ۳۶۶).

۵. وقف‌نامه میرشکار (قلعه حسن‌خان)

مصطفی قلی خان میرشکار در سال ۱۲۹۰ق، ملک خریداری خود در سال ۱۲۷۹ق، را وقف کرد. سند وقف‌نامه حاج مصطفی قلی خان میرشکار مقدم از جمله اسنادی است که در دوره قاجار توسط علمای آن دوره در دفاتری موسوم به «کتابچه شرعیات» ثبت شده است (رضایی، ۱۳۸۵: ۵۷).

در گفت‌وگو با یکی از وکلای موقوفه میرشکار مشخص گردید که اصل وقف‌نامه در پوست آهو است (راستگو، ۱۳۸۷: رسانه بیدار) به‌رغم پیگیری‌های مستمر اداره کل اوقاف و امور خیریه استان تهران، اجازه رؤیت این وقف‌نامه میسر نشد (باران چشمه، فروردین ۱۴۰۰). متن وقف‌نامه از آرشیو اداره اوقاف شهر قدس تهیه شده است.

۶. متن وقف‌نامه حاج مصطفی قلی خان میرشکار مقدم (قلعه حسن خان)

هو الواقف علی الضمائر

وقف موبد و حبس مخلد شرعی نمود شرکت و عظمت مدار مقرب‌الخاقان مؤتمن‌السلطان سرکار حاجی مصطفی قلی خان میرشکار دام عزه‌العالی خلف جنت مکان مرحوم حسن رضاخان تمامی یکدانگ از املاک مشروحه بین بین را با جمیع متعلقات توابع شرعی و عرفیه آن‌ها را که مداخل و منافع همه ساله آن‌ها بعد از وضع مخارج لازمه آن‌ها صورت املاک مفصله که یک دانگ از آن‌ها وقف بر تعزیه‌داری و پنج دانگ وقف بر اولاد است. از قرار مرقوم است با کافه توابع و ملحقات شرعی و عرفیه هر یک که مستغنی از تحدید است لغایه الشهرة: قلعه حسن که واقع است در غار از توابع دارالخلافة شش دانگ، قریه ورامینه که واقع در بلوک مرقومه است شش دانگ، قریه میان‌دوآب واقع در غار شش دانگ، عبارت بیرونی و اندرونی و باغ واقع در دارالخلافة مسکونی ایشان شش دانگ و تعمیرات هرچه بماند در تکیه که خود واقف بنا کرده صرف روضه‌خوانی خامس آل عبا و جناب ختمی مآب و سایر ائمه هدی و انبیاء شود در زمانی که متولی در تمام‌سنه معین نماید. و وقف نمود پنج دانگ از املاک مرقومه را بر اولاد ذکور خود علی نحو التشریک و التسویه بطناً بعد بطن و نسلاً بعد نسل و در صورت انقراض بر ذکور انثا از اولاد کما سطر و در صورت انقراض و نبودن اولاد منافع این پنج دانگ صرف تعزیه‌داری شود از قرار یکه درآمد یک دانگ مرقوم شد و تولیت آن‌ها را مادام الحیات از برای خود قرارداد و بعد از خود مفوض داشت به اولاد ذکور خود نسلاً بعد نسل و بطناً بعد بطن با تقدم اصلح وارد شد و اتقای آن‌ها با فرض تعدد و با انقراض از قرار مسطور تولیت مفوض است به اولاد ذکور اناث ایشان و با نبودن اولاد مطلقاً تولیت هر دو فقره با حاکم شرع جائز الحکومه می‌باشد و صیغه وقف بطریق شرع انور با اجتماع کافه شرایط مقرر از قبض و اقباض و غیره‌ها واقع گردیده و کان وقوع ذلک فی یوم جمعه بیست و هفتم شهر صفر المظفر من شهر سنه ۱۲۹۰ مهر میرشکار.

حاشیه وقف‌نامه

بسم الله تعالی شانه العزیز

در حاشیه وقف‌نامه سال ۱۲۹۰ ق، سرکار حاجی مصطفی قلی خان مقدم میرشکار مؤتمن‌السلطان دستخط و سجع مهر علمایی همچون آقایان حاج زین‌العابدین طهرانی، داماد ناصرالدین شاه و امام جمعه طهران، محمدباقر الحسینی (آقای سید حسن شوشتری) آقا سید محمد طباطبایی و آقا سید محمدصادق طباطبایی و سید محمد بهبهانی مشهود است حاشیه وقف‌نامه)

وقف‌نامه مزبور ابتدا مورخ ۲۷ صفر ۱۲۹۰ ق، در محکمه سید محمد طباطبایی به شماره ۱۱۰۸ ثبت شد، سپس در سال ۱۳۱۳ ق، سید محمدصادق طباطبایی فرزند سید محمد طباطبایی آن را تصدیق کرد (رضایی ۱۳۸۵: ۵-۶۱). از

دیگر علمایی که وقفنامه را با ذکر تاریخ تصدیق کرده‌اند، می‌توان به محمدعلی الموسوی طباطبایی در جمادی‌الاول ۱۳۴۰ق، و محمدبن‌زین‌العابدین امام جمعه در جمادی‌الاول ۱۳۴۴ق، اشاره کرد.

توضیحات وقفنامه (قلعه حسن خان)

واقف: مصطفی قلی خان میرشکار

موقوف علیهم: اولاد ذکور نسل بعد نسل

متولی: واقف و پس از وی اصلح اولاد ذکور

نوع وقف: یک دانگ وقف عام و پنج دانگ وقف خاص

صرف منافع: منافع وقف عام صرف تعزیه‌داری و منافع وقف خاص متعلق به اولاد ذکور و در صورت نبود اولاد ذکور به اولاد اناث تعلق خواهد داشت. در صورت انقراض جمیع اولاد منافع این پنج دانگ صرف تعزیه‌داری شود.

محدوده وقف: قلعه حسن، واقع در غار، توابع دارالخلافه، قریه ورامینه، قریه میان و آب، عمارت بیرونی و اندرونی و باغ واقعی در دارالخلافه که منظور عمارت واقع در دارالخلافه کوچه میرشکار واقع در خیابان فردوسی است. که هنوز هم جزو رقبات موقوفه است. سابقاً به دلیل نزدیکی به دارالخلافه (کاخ گلستان) معمولاً رجال دربار در پیرامون کاخ باغ و عمارتی داشتند که حاج مصطفی قلی‌خان ساکن در خیابان علاءالدوله (فردوسی) ساکن بوده‌اند که بیش از ۲ هکتار وسعت آن بوده است (مقدم، ۱۳۹۴: کانون نورالمهدی).

۷. وجوه افتراق میان بیع‌نامه و وقف‌نامه

از جمله وجوه افتراق میان بیع‌نامه و وقف‌نامه می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

قلعه حسن خان جزو بخش شهریار شهرستان تهران، ۲ کیلومتری راه تهران، کاروانسرای سنگی (رزم آراء، ۱۳۲۸: ۱۶۴).

غار: از شمال محدود به حومه تهران و کن از مغرب به شهریار، از جنوب به دریاچه قم و کویر از شرق به ورامین، محدود و قسمت شمالی آن موسوم به غار و قسمت جنوبی پشاپویه است (کیهان، ۱۳۱۱: ۲/۳۵۸).

قریه ورامینه: از بابا سلمان که جزو بخش شهریار از رودخانه کرج مشروب می‌شود (رزم آراء، ۱۳۲۸: ۲/۳۰). امروزی تا رودخانه بهشت فاطمه پایین دست جاده شهریار (احمدیان، مصاحبه، مرداد ۱۴۰۰).

قریه میان دوآب: پارک بانوان و پمپ گاز فعلی، بالا دست جاده شهریار بعد از دانشگاه آزاد شهر قدس به سمت جاده شهریار (احمدیان، مصاحبه، مرداد ۱۴۰۰)

۷/۱. روند دست‌اندازی‌های خاندان میرشکار تا سال ۱۳۵۷ ش

قانون اصلاحات اراضی سال ۱۳۴۱ ش، به تصویب رسید و این قوانین در محدوده پلاک ۲۴ اصلی قلعه حسن خان در پیش از انقلاب اجراء شده است. قبل از انقلاب موقوفه میرشکار برابر حکمی که از اداره تحقیق اوقاف صادر شده تولیت یک دانگ این موقوفه را به مرحوم امیر هوشنگ مقدم می‌دهند، پنج دانگ هم با نواده ذکور واقف از نسل فرزند دوم میرشکار حاج مصطفی قلی خان بوده است اداره می‌شد.

(در آن موقع وقف عام و خاص را جدا می‌کنند) باتوجهبه شرایط وقفنامه تولیت هر دو به فرزند بزرگ می‌رسید؛ درحالی‌که نباید تعلق می‌گرفت چون امیر هوشنگ مقدم از نسل بعد بود (راستگو، ۱۳۸۷: ۲). ولی از این جهت که دارای نفوذ و از سفرای زمان پهلوی دوم بود، از سال ۱۳۲۳ وارد وزارت امور خارجه گشته بود. سر کنسول ایران در بغداد و سفیر در کشورهای سوئیس، قطر، مجارستان بود که در سال ۱۳۵۲ بازنشسته شد (موجانی، ۱۳۹۱: ۸۸۲). به دلیل جایگاه اجتماعی برخلاف تأکید وقفنامه تولیت به دست او اداره می‌شود؛ در صورتی که اولاد بزرگ نبوده است، برای این‌که موقوفه حفظ شود و از بین نرود، تولیت عام را به ایشان می‌دهند و خاص را خود موقوف علیهم اداره کرده‌اند و همچنین موقوفه جزء اصلاحات اراضی نباشد یا به فرض از بین نرود و بتواند آن را حفظ کنند، از وجود ایشان استفاده کردند و تولیت عام را به ایشان دادند و به نظر می‌رسد در دهه سی این حکم را اداره اوقاف صادر کرده است (راستگو، ۱۳۸۷: ۳).

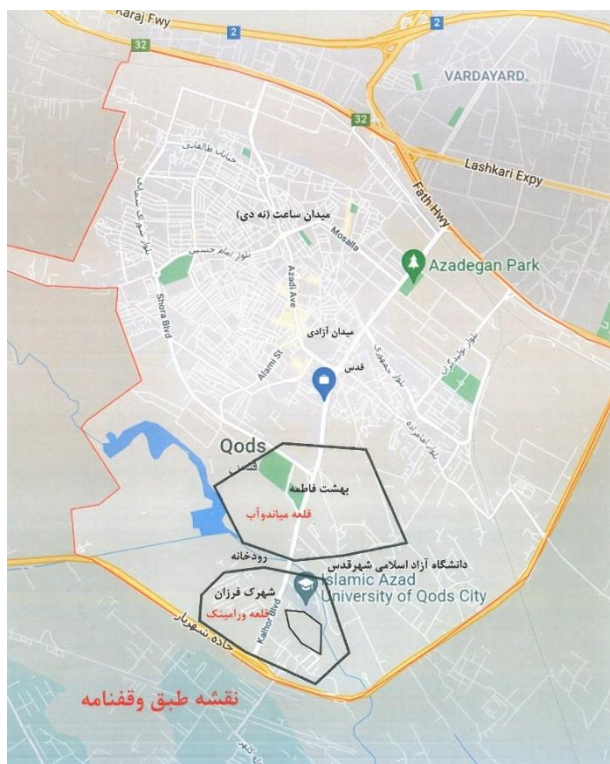
۷/۲. خط‌شناسی بیعنامه

باتوجهبه اسناد برجای مانده از این بیعنامه به خط نستعلیق شکسته است. این نوع خط در دوره قاجار در اسناد اداری و هم در استنساخ کتب رواج زیادی یافت.

نستعلیق شکسته آخرین تحول نوشتاری در خوشنویسی ایران است که اوج کاربری آن در دوره قاجار بود. تنوع شیوه‌های شکسته‌نویسی در دوره قاجار متناسب با جریان‌های اجتماعی و نیازهای هنری آن دوره قابل دسته‌بندی است. نخست شیوه پیروان درویش که به همان شیوه می‌نوشتند؛ دوم: شیوه‌ای که به استقلال نسبی شکسته از من و شعر می‌انجامد؛ در این دسته آفرینش تابلو به روش جلی‌نویسی بسیار رایج شده بود. در گروه سوم: به نحوی نوشتارهای تحریری و منشی‌گری را شامل می‌شود؛ در این روش گونه‌ای تندنویسی به روش خط تحریری مرسوم گردید (فرید، ۱۴۰۱: ۸۱). به نظر می‌رسد بیعنامه‌های دوره قاجار در دسته سوم شکسته‌نویسی جای می‌گرفتند.

در این شیوه پهنای قلم در مقابل ضعف قلم، تمایز کمی را داراست و حتی ابزار قلم نی در دستان برخی از خوشنویسان، تغییر کرده و حتی قلم فلزی و قلم فرانسوی استفاده می‌شد (مشعشعی، ۱۳۹۱: ۱۸). تأکید ساختار جمله بر دو مدار عمودی و مایل، بدین معنا که حرکت کلی نوشتار و کشیده‌ها در شیوه تحریری که در آن برخلاف شیوه درویش- حرکت‌های افقی و بلد-مانند الف و لام‌ها- به شدت کاسته می‌شود و از نظر بصری شکل‌ها فشرده‌تر و در قالبی افقی‌تر قرار می‌گیرند؛ مانند ساختار که دیگر کشیده‌ها آن رسایی شیوه‌های گذشته را ندارند (فرید، ۱۴۰۱: ۹۱).

الف) نقشه طبق وقفنامه



پیوست شماره یک

ب) نقشه طبق بیعنامه



پیوست شماره دو

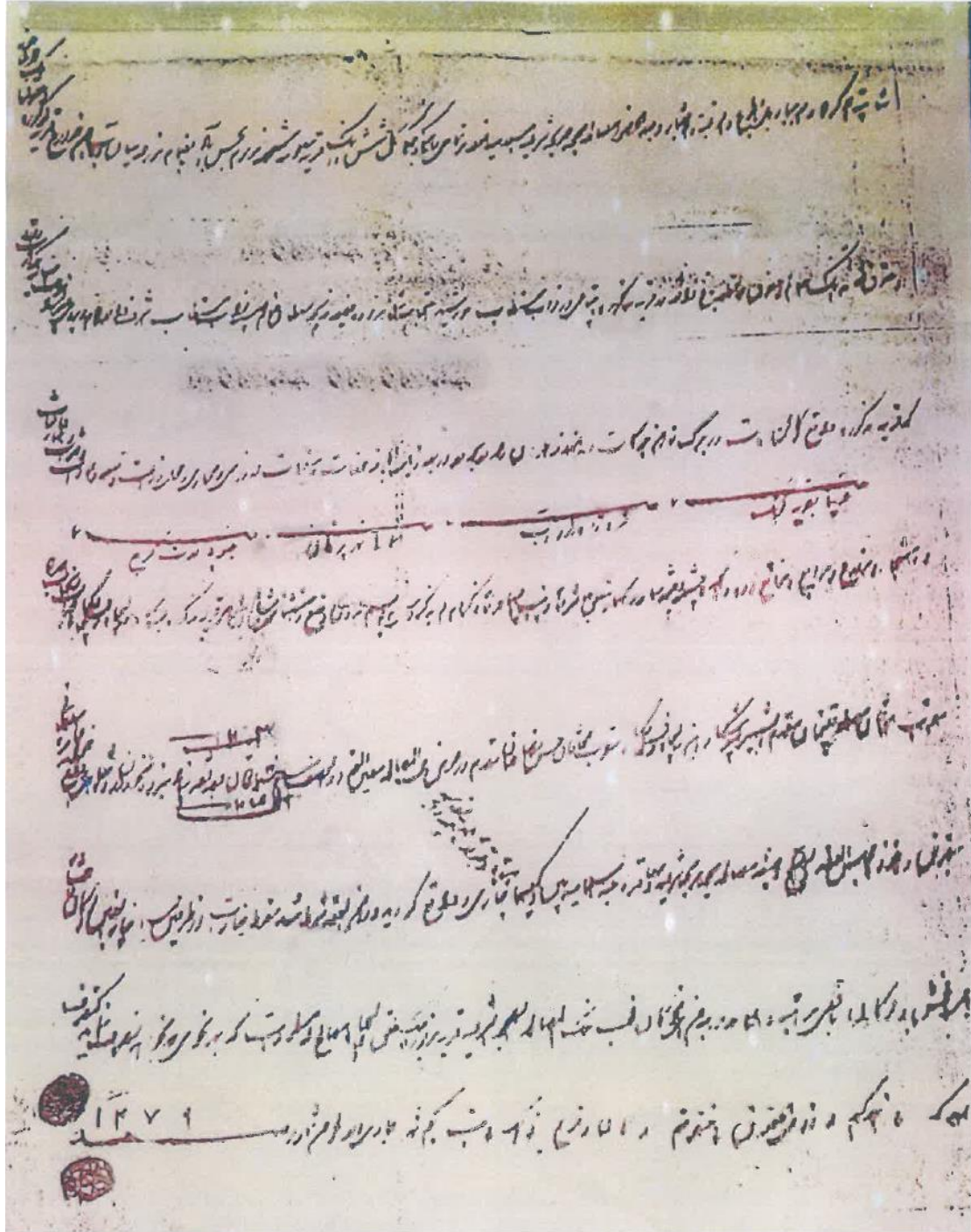
مبايعه‌نامه استتخا شده

... شایبه الاكراه و الاجبار، بل بالطوع والزلبه والاختيار، و بعد الحضور، مصالحة صحیحة صریحة شرعیة اسلامیة نمود بر تمامی و همگی و جعلگی کل شش دانگ قریه معلومه مشخصه موسوم به حسن آباد، به انضمام مزرعه میان آب من مزارع قریه مذکوره و حقوق یک طاحونه، و حقوق سد دانگ متاع و حقوق یک قطعه باغ واقع در قریه مذکوره ابتیاعی از نواب مستطاب خورشید احضاب، شاهزاده عقیقه خدیجه سلطان خانم، صیغه نواب مستطاب اشرف والا شاهزاده اله و پیری میرزا دامت اقباله ۱۱۶۶ که قریه مذکوره واقع و کائن است در برگ نو من بلوکات دارالخلافه طهران را محدود به حدود اربعه ذیل:

حد غربی به قریه کوهک - حد شرقی دره لوزاب - حد شمالی به نهر پونان - حد جنوبی به لوت کرج.

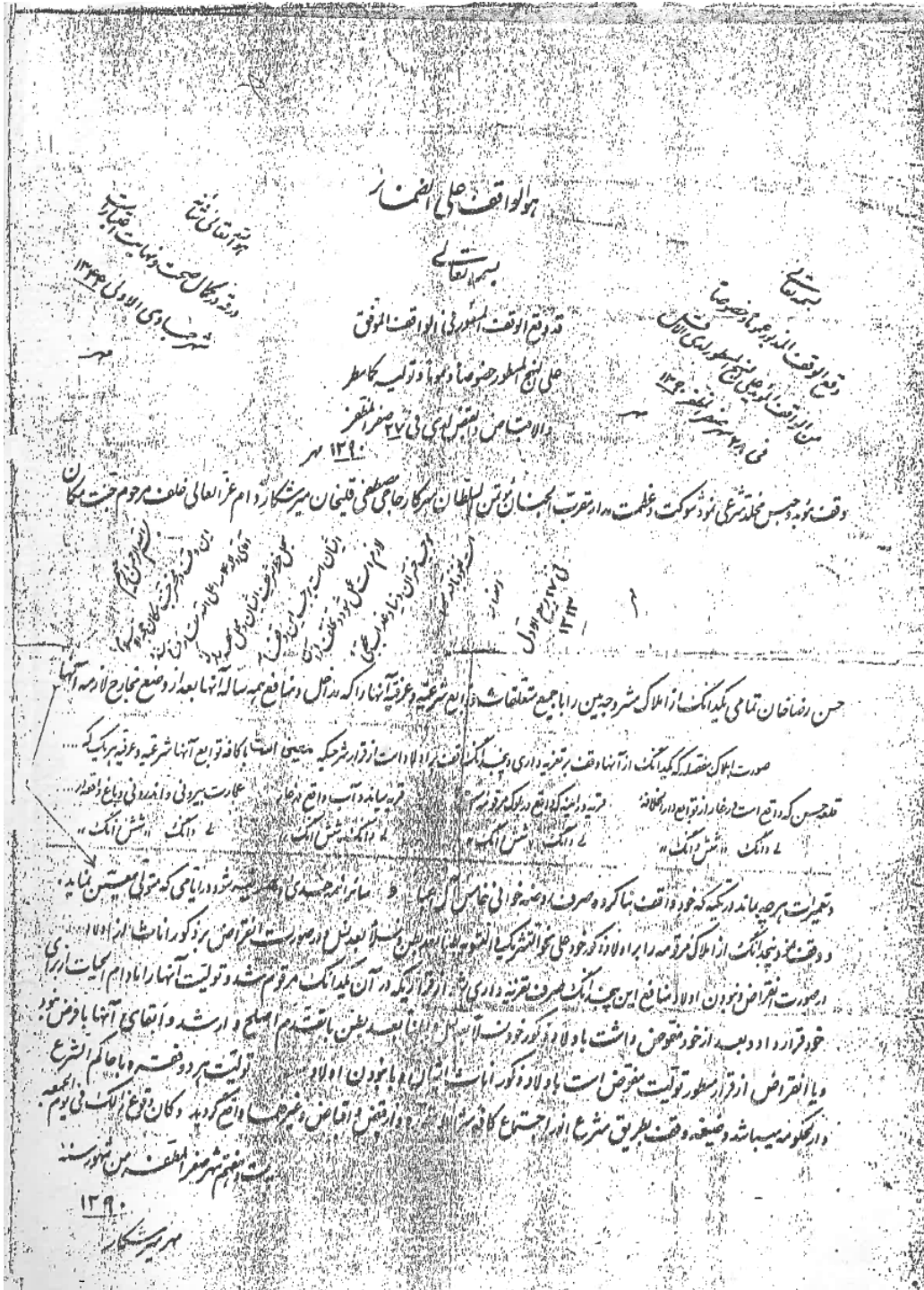
با كافة ملحقات و منطعات از اراضی و صحاری و محل زراعت و ۴۴۴ شوب و مشارب و قنات و مزارع و مراتع ۴۴۴ و چشمه و چشمه سار و کلبا متعلق بها و بنسب الیها را ذکر ام لم یذکر و معی ام لم ینسب بدون وضع و استثنای شی از تعاضی قریه مذکوره به عالی جناب رفیع جایگاه نجابت و سعادت همراة مقرب الخاقان مصطفی قلی خان مقدم الشیخ به میرشکار ابن عالی جاد رفیع جایگاه مقرب الخاقان حسن علی خان مقدم، در عوض مال المصالحة معین الفدر و النصف مبلغ هشتاد تومان (به سیاق بالای سطر: 80 تومان - پایین سطر: 40 تومان) وجه نقد بنالی سیزده نخود وزن ۲۲۲۶ سلطان مقبوض و ماخوذ در مجلس العقد و الصلح و صیغه مصالحة صحیحة شرعیة و معافده ملیة اسلامیة بین و کلیمهما ۴۴۴ جاری و واقع گردید و در ضمن العقد شرط شد سقوط خیارات از طرفین سیما خیار العین ولوکان فاحشا بل افحش ولوکان بالفحش مراتبه و اعلى مدارجه من الطرفين، فحسب تلك المصالحة الصحیحة الشرعیة، قریه مزبور، ملک طلق عالی جاه مصالح له مستقر است که به هر نحوی که بخواهد تصرف نماید کنصرف العاقل فی املاکهم و نوب الحقوق فی حقوقهم، و کاد و قورا نالک فی بیست و یکم شهر جمادی الاولی من شهر سنه 1279 [مهر بیضی]: «عهد الراجی محمد».

مبايعه نامه بارگذاري شده در سايت قبل از استنتاج



بیوست شماره چهار

وقف‌نامه مصطفی قلی خان مقدم



بیوست شماره پنج

نتیجه‌گیری

اختلاف میان بیع‌نامه و موقوفه مصطفی قلی خان میرشکار مقدم و عدم تعیین محدوده اراضی قلعه حسن خان، موجبات پیدایش نابسامانی در مناسبات و مالکیت ارضی در قلعه حسن خان را فراهم ساخت. عدم شفافیت در تنظیم اسناد اصلاحات ارضی و اعمال نفوذ امیرھوشنگ مقدم، بر نابسامانی مزبور افزود و شفافیت مالکیت ارضی قلعه حسن خان را دچار چالش کرد، چالشی که با گذشت زمان و گسترش و توسعه قلعه حسن خان و تبدیل آن از بخش به شهرستان، در سال ۱۳۸۸ش، از محدوده مالکیت ارضی فراتر رفت و در نهایت موجبات آسیب‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را فراهم ساخت. کما این‌که می‌توان چنین استنباط نمود که یکی از موانع توسعه قلعه حسن خان، وجود ابهام در اختلاف بیع‌نامه و وقف‌نامه مزبور است. لذا به‌نظر می‌رسد، جهت رفع مسئله، ابتدا بیع‌نامه اساس قرار گیرد، سپس موارد اختلاف میان بیع‌نامه و وقف‌نامه مشخص شود تا مناطق مورد اختلاف، توسط مراجع ذی‌صلاح از موقوفه خارج گردد. بدین ترتیب ضمن رفع ابهام، اختلاف میان بیع‌نامه و وقف‌نامه، موانع توسعه اقتصادی قلعه حسن خان رفع خواهد شد. از نظر خط‌شناسی نیز بیع‌نامه و وقف‌نامه به خط نستعلیق شکسته می‌باشد. در این دوره تاریخی شاهان قاجار که عمدتاً افراد هنردوستی بودند، به‌عنوان حامیان اصلی خوشنویسی، زمینه مناسبی برای رشد این هنر فراهم کردند و در رونق آن نقش مؤثری داشتند. علاوه بر این، چاپ سنگی نیز نقش مهمی در تحول خط نستعلیق در عصر قاجار داشت که این امر به بروز تغییراتی در شیوه نوشتن آن خط منجر شد. به همین دلیل در عصر قاجار خط نستعلیق شکسته کاربردهای مختلفی پیدا کرد که از جمله آن‌ها می‌توان به کتیبه‌نگاری، نوشتن روزنامه‌ها و نسخ خطی، حکاکی مهرها، قطعه‌نویسی، مرقع‌نگاری و بیع‌نامه‌نویسی اشاره کرد.

منابع

کتاب‌ها

- آل داود، علی. (۱۳۷۱). نامه‌های امیرکبیر به انضمام رساله نوادر الامیر. تهران: نشر تاریخ ایران.
- اجلالی، فرزاد. (۱۳۷۳). بنیان حکومت قاجار نظام سیاسی ایلی و دیوانسالاری مدرن. ج ۲، تهران: نشر نی.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۶۸). مرآه‌البلدان. ج ۴، تصحیح و تحشیه: دکتر عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۶۷). تاریخ منتظم ناصری. ج ۳، تصحیح: دکتر محمد اسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۶۷). مرآه‌البلدان. ج ۲، ج ۳، تصحیح و تحشیه دکتر عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۶۳). المآثر و الآثار، چهل سال تاریخ ایران. ج ۱، تصحیح: ایرج افشار، تهران: انتشارات اساطیر.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۴۵). روزنامه خاطرات. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- انوری، حسن. (۱۳۵۵). اصطلاحات دیوانی دوره غزنوی و سلجوقی. تهران: انتشارات طهوری.
- افشار، ایرج. (۱۳۶۳). سفرنامه عتبات ناصرالدین شاه قاجار، تهران: انتشارات رشديه.
- بامداد، مهدی. (۱۳۶۲). شرح حال رجال ایران. ج ۴، ۵، ۱، تهران: انتشارات زوار.
- بدیعی، پرویز. (۱۳۷۸). یادداشت‌های روزانه ناصرالدین شاه (۱۳۰۰-۱۳۰۳ ق). تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران.
- پاپلی یزدی، محمدحسین. (۱۳۶۷). فرهنگ آبادی‌ها و مکان‌های مذهبی کشور. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- پاولویچ، م. (۱۳۵۷). سه مقاله درباره انقلاب مشروطه ایران. ج ۳، ترجمه: محمدباقر هوشیار، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های حبیبی.
- دیوان‌بیگی، احمد. (۱۳۶۴). حدیقه‌الشعرا. ج ۱، تصحیح دکتر عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات زرین.
- رزم‌آرا، حسین علی. (۱۳۲۸). فرهنگ جغرافیای ایران. جلد ۱، تهران: انتشارات جغرافیای ستاد ارتش، چاپخانه ارتش.

- رضاقلی میرزا. (۱۳۴۶). سفرنامه رضاقلی میرزا. به کوشش اصغر فرمانفرمائیان قاجار، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رضوانی، تهران، دنیای کتاب اعتماد مقدم، فرخ. (۱۳۴۹). خاندان مقدم. تهران: بی‌نا.
- حسینی شیرازی، فضل‌الله. (۱۳۷۹) تذکره خاوری. تصحیح: میرهاشم محدث، زنجان: انتشارات زنگان.
- خسروی، خسرو. (۱۳۵۵). جامعه‌شناسی روستایی ایران. ج ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سومر، فاروق. (۱۳۷۱). نقش ترکان آناتولی در تشکیل و توسعه دولت صفوی. ترجمه: امان اشراقی، محمدتقی امامی، تهران: نشر گستره .
- شیبانی، میرزا ابراهیم. (۱۳۶۶). منتخب‌التواریخ. تهران: انتشارات علمی.
- شریفی، رامین. (۱۳۸۸). سبزه الماس نگاهی به روند شکل‌گیری و برنامه‌ریزی شهر قدس. تهران: نشر پژوهاک.
- فرجی، احمد. (۱۳۹۵). دایره‌المعارف شهرستان شهریار. تهران: نشر لاهیجی.
- قائم مقامی، جهانگیر. (۱۳۹۴). مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی. ج ۲، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- قاضی‌ها، فاطمه. (۱۳۸۹). گزارش شکارهای ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۸۱-۱۲۷۹ هـ ق). تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- کیهان، مسعود. (۱۳۱۱). جغرافیای مفصل ایران. ج ۳، تهران: کتابخانه ابن‌سینا.
- کلهر، محمد. (۱۳۹۳). جستاری پیرامون جنبش شیخ عبدالله شمذینی. تهران: پردیس دانش.
- کیانی، محمد یوسف؛ کلایس، ولفرام. (۱۳۶۲). فهرست کاروانسراهای ایران. تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.
- لسان‌الملک سپهر، محمدتقی. (۱۳۷۷). ناسخ‌التواریخ. به اهتمام جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.
- محبوبی، جمشید. (۱۳۷۰). نگاهی به تاریخ و جغرافیای میان‌دوآب تکاب شاهین دژ. بی‌جا: انتشارات پروین.
- محمود میرزا قاجار. (۱۳۴۶). سفینه‌المحمود. به کوشش عبدالرسول خیام‌پور، تبریز: شفق.
- محمود میرزا قاجار. (۱۳۹۴). گلشن محمود. تصحیح: میرهاشم محدث، تهران: سفیر اردهال.
- مروارید، یونس. (۱۳۷۲). مراغه (افرازه رود) از نظر اوضاع طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، تاریخ. ج ۲، تهران: نشر علمی.
- مشعشی، غلامرضا. (۱۳۹۱). احوال و آثار درویش. تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- معلم حبیب‌آبادی، محمدعلی. (۱۳۵۷). مکارم‌الآثار. ج ۱ و ۲، اصفهان: اداره کل فرهنگ و هنر استان اصفهان.
- مقدم، فرهاد. (۱۳۸۸). گذار ایل مقدم از گذار تاریخ کرج. تهران: انتشارات پینار.
- هلاکو میرزا. (۱۳۴۴). مصطبه خراب، تصحیح عبدالرسول خیام‌پور. تبریز، بی‌نا.

مقالات

- خان محمدی، علی‌اکبر. (۱۳۷۲). «روش کار با اسناد خطی». فصلنامه گنجینه اسناد، سال سوم، دفتر اول، ۸۶-۹۶.
- رضایی، امید. (۱۳۹۰). «مجموعه مشیر دیوان»؛ قباله‌های مربوط به سال ۱۳۵۲-۱۱۹۳ ه.ق. اسناد بهارستان، شماره سوم، صص ۱۴۵-۱۰۳.
- رضایی، امید. (۱۳۸۸). «سهمی از وقف جهت خرید و استکتاب کتب شرعیه در دوره قاجار». مجله نامه بهارستان، شماره ۱۵، ۳۵۸-۳۵۱.
- رضایی، امید. (۱۳۸۵). «آقا سید صادق مجتهد سنگلجی و نوشتجات شرعیه». فصلنامه میراث جاویدان، شماره ۵۶، ۵۷-۶۸.
- غلامی جلیسه، مجید. (۱۳۸۹). «موقوفات بر پایه مخطوطات». فصلنامه میراث جاویدان، شماره ۷۲، ۸۷-۱۲۰.
- فراهانی منفرد، مهدی. (۱۳۷۸). «منصب کلانتر و چند سند در مورد دو تن از کلانتران عصر صفوی». فصلنامه گنجینه اسناد، شماره ۳۵، ۳۶-۱۹-۴.
- فرید، امیر. (۱۴۰۱). «شیوه‌های مرسوم شکسته‌نویسی در دوره قاجار». پیکره، دوره ۱۵، شماره ۲۷، ۸۱-۹۴.
- مرتضوی، مرضیه. (۱۳۹۲). «وقفنامه‌ای مربوط به محله سنگلج تهران». میراث جاویدان، سال ۲۱، شماره ۸۲، ۱۴۰-۱۶۰.
- نوری، محمد. (۱۳۸۹). «تحولات تاریخی و کارآمدی وقف در ایران (۱۳۵۸-۱۳۷۰)». فصلنامه میراث جاویدان، سال هجدهم، شماره ۷۰، ۵۰-۲۹.

پایان‌نامه‌ها

- تیموری، علی. (۱۳۹۱). سیری در روند تاریخی وقف (با تکیه بر موقوفات مصطفی قلی‌خان میرشکار مقدم). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده علوم انسانی دانشگاه یادگار امام (ره).

مصاحبه‌ها

- احمدیان، فرهاد. (۲۰ مرداد ۱۴۰۰) شهر قدس.
- باران چشمه، (۱۷ فروردین ۱۴۰۰) تهران، سازمان اوقاف و امور خیریه.
- منابع اینترنتی:
- راستگو، محمدرضا. «وکلائی موقوفه میرشکار». (۱۳۸۷)، وبلاگ رسانه بیدار.
- مقدم، کیوان، «تاریخ قلعه حسن خان از زبان مالکان آن»، کانون فرهنگی نورالمهدی.
- سایت گردشگری ایران، تپه کاووسیه قدس (۱۳۸۷).